

فعالان سیاسی و نمایندگان در گفت وگو با «ایران»:

مذاکره نباید با سیاست داخلی گره بخورد

گزارش

رژوانه رضایی پور - الهام یوسفی

روزنامه نگار

مذاکرات اخیر با آمریکا از دو جنبه قابل بررسی است؛ یکی خود مذاکرات و آنچه مربوط به رفع تحریم‌ها است و دیگر پیامدهای داخلی یا تأثیرات این مذاکرات بر سیاست داخلی. واقعیت این است که در دو دهه گذشته هر مسأله‌ای در سیاست خارجی، به مسأله‌ای در سیاست داخلی تبدیل

شده است. مذاکره با چین باشد یا معاهده با روسیه یا حتی مذاکرات با آمریکا برای رفع تحریم‌ها، این موضوعات قطب‌بندی‌های داخلی را سبب شده است. فارغ از اینکه علت این تداخل موضوعی چیست و چرا مسائل مربوط به سیاست خارجی که در ارگان کشور تصمیم‌گیری می‌شود،

به سیاست داخلی گره می‌خورد، تجربه نشان داده است که این امر هیچ گاه مزیتی برای کشور نبوده است، چه بسا خسارت‌هایی نیز به دنبال داشته است. از این رو است که امروز همچنان که نباید مسائل و امور کشور را به مذاکرات گره زد، مسأله‌ای که متوجه دولت و دیگر قوا است، این هم

هست که باید از هر اقدامی که مسأله مذاکره را به سیاست داخلی پیوند می‌زند، اجتناب کرد. فعالان سیاسی و نمایندگان مجلس نیز با تأیید این گزاره، نکات و تأکیدات دیگری درباره رویداد جدید در سیاست خارجی ایران مطرح کردند.

چرا مذاکره همه چیز نیست؟

«مذاکرات» یکی از روش‌های دفاع از حقوق اساسی ملت‌ها است که مورد توجه قرار می‌گیرد و فرصت مناسبی برای بیان دیدگاه‌های طرف مذاکره فراهم می‌کند. این فرآیند چیزی نیست که یک نظام سیاسی همچون ایران که تأمین منافع ملت را سرلوحه برنامه‌های خود تعریف کرده، بخواهد آن را از دست بدهد. با این حال دشمنان ما تلاش کرده‌اند مذاکرات را به ابزاری تبدیل کرده و آن را در مسیری قرار دهند تا این تصور ایجاد شود که ایران در مسائل مختلف پایبندی لازم را ندارد. خوشبختانه در این دوره ما توانسته‌ایم با عملکرد خود هم رویکرد مذاکرات و هم چهارچوب آن را به گونه‌ای تنظیم کنیم که ذهنیت جامعه را به حقیقت نزدیک‌تر سازیم. به عبارت دیگر ما توانسته‌ایم اعتقادات مربوط به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به درستی مطرح کنیم و نشان دهیم آنچه به بهانه هسته‌ای علیه ما صورت گرفته، بی‌اساس است و هیچ حقیقتی در آن وجود ندارد. ما این دوره از مذاکرات را با توجه به تجربیات گذشته پیش برده‌ایم. تجربیات گذشته نشان داد که طرف مقابل چندان به مذاکرات پایبند نیست و نمی‌خواهد از آن برای روشن شدن حقیقت استفاده کند. آنان با تکیه بر تسلط رسانه‌ای و تجربیات خود، از مذاکرات به گونه‌ای بهره‌برداری می‌کنند یا روایتی ارائه می‌دهند که در خدمت اهداف آنان باشد. اما در این دوره، ما توانسته‌ایم با هوشمندی، تمرکز مذاکرات را بر موضوع خاص و مورد نظر خود حفظ کنیم و براین اساس شرایطی فراهم آوریم تا قضاوت و داوری درباره مسائل به صورت دقیق‌تری انجام شود. به همین دلیل است که در این مذاکرات، با مدیریت دولت ثالث، مسائل دو طرف به صورت مکتوب ثبت و به یکدیگر منتقل می‌شود. اکنون وزیر محترم امور خارجه کشورمان به صورت غیرمستقیم، مطالب درافتی از طرف آمریکایی را به صورت مکتوب دریافت و مخالفت با موافقت هیأت ایرانی درباره این مسائل یا دیگر نظرات ایران را به همین صورت به آنان منتقل می‌کند. این روند باعث مستندسازی مذاکرات هم می‌شود. با وجود همه این تمهیدات، ممکن است دولت آمریکا بار دیگر تلاش کند رفتارهای پیشین خود را دنبال کرده و در پی هزینه‌سازی برای طرف مقابل باشد. بر همین اساس همواره تأکید می‌شود که نباید بیش از حد به مذاکرات خوش بین بود. اما در عین حال مذاکرات فرضی است که نباید از آن چشم‌پوشی کرد. بر اساس این دیدگاه اگر به تجربیات گذشته توجه کنیم، منطقی نیست که همه امور را به مذاکرات پیوند بزنیم. ما از مذاکرات استفاده می‌کنیم، اما گره زدن امور کشور به مذاکرات، عاقلانه و منطقی نیست. چرا که با وجود همه تمهیدات، این احتمال وجود دارد که آمریکایی‌ها در مقطعی به تعهدات خود پایبند نمانند. آنها اعلام کرده‌اند مذاکرات صرفاً درباره فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خواهد بود و به مسائل دیگر وارد نمی‌شوند. اما با وجود این اعلام، ممکن است آنان به وعده‌های خود عمل نکنند که در گذشته هم سابقه داشته است. این منطق برخاسته از تجربه به صورت منطقی حکم می‌کند که ما به طور جد مراقب باشیم تا مسائل کشور را به مذاکرات گره نزنیم.

حل مشکلات کشور باید صرفاً از طریق اتکا به منابع داخلی دنبال شود. اگر بتوانیم تحریم‌ها را خنثی کنیم، این امر می‌تواند موفقیت‌های ملت ما را در پیشبرد امور کشور تقویت کند.

مسئولیت جریان‌های سیاسی چیست؟

به رغم اعلام مذاکره کنندگان ایرانی یا وزیر خارجه عیان مبنی بر اینکه فضای مذاکرات مثبت بوده است، اما این امر صرفاً بیانگر این است که شروع مذاکرات مثبت بوده است و فعلاً زمان برای ارزیابی نهایی از نتیجه مذاکرات یا ترسیم چشم‌انداز آن کمی زود است. در این مرحله چند پرسش وجود دارد که باید بررسی شوند. نخست اینکه هنوز مشخص نیست آمریکایی‌ها تا چه اندازه در مذاکره جدی هستند. دیگر اینکه باید منتظر ماند و دید که طرف مقابل دقیقاً به دنبال چیست؟ یعنی آیا آمریکایی‌ها صرفاً نگران دستیابی ایران به تسلیحات اتمی هستند یا مسائل دیگری را دنبال می‌کنند؟ اگر صرفاً مسأله سلاح هسته‌ای در میان باشد، جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده که به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و می‌توان این مسأله را راستی آزمایی کرد. اما اگر از خطوط قرمز جمهوری اسلامی مانند توانایی‌های موشکی عبور کنند، قطعاً نمی‌توانند پاسخ مثبتی از طرف ایران دریافت کنند. سومین و البته مهم‌ترین مسأله، مطالبات و انتظارات ما از این مذاکرات است که مهم‌ترین آنها رفع تحریم‌هاست. همچنین توانایی و اراده آنها برای رفع تحریم‌ها و نیز تقصیر برای حفظ توافق احتمالی جزو مسائل جدی ماست. چالش دیگر، تناقض در اظهارات مقامات آمریکایی است که براساس آن نمی‌توان دست‌وراز این کشور را تشخیص داد. مذاکره مسأله‌ای مربوط به سیاست خارجی است، اما حتی در همین شرایط وظایف و مسئولیت‌هایی متوجه جریان‌های سیاسی است. از جمله اینکه جریان‌های سیاسی در این شرایط جدید ایجاد شده، صرفاً باید حافظ منافع ملی باشند و حرکت خود را در چهارچوب منافع ملی تنظیم کنند. ما باید از نیم مذاکره‌کننده ایرانی حمایت کرده و صرفاً از آنان بخواهیم که در چهارچوب منافع ملی، رعایت خطوط قرمز نظام، حفظ عزت ملت و صلحت کشور، با حکمت و درایت مذاکره کنند. این مسئولیت و وظیفه هم متوجه جریان‌های سیاسی و هم متوجه نمایندگان و دیگر بخش‌های کشور است. البته که دولت اولین مخاطب این جمله است. اگر از دولت انتظار می‌رود که همه امور خود را دنبال کند، طرف‌های دیگر نیز باید همه امور را دنبال کنند، نه اینکه صرفاً روی مذاکره تمرکز کرده و سایر کارها و برنامه‌های خود را متوقف کنند. زیرا تجربه دهه گذشته نشان داده است زمانی که کشور معطل مذاکرات ماند، آن وقت مذاکرات و آنچه مربوط به سیاست خارجی است، به مسأله‌ای در سیاست داخلی تبدیل شد. تبدیل نکردن مسائل مذاکرات به عامل قطب‌بندی در سیاست داخلی، مسئولیتی است که متوجه همه جریان‌ها، کشورگران و ارکان مختلف کشور است. به عنوان مثال، چه دولت، چه نمایندگان و چه جریان‌های سیاسی، باید توجه داشته باشند که مبارزه با فساد نه تنها وظیفه‌ای همگانی است، بلکه اساساً ارتباطی به مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا ندارد. جراحی‌های اقتصادی، مسأله مرزها و ورود غیرقانونی اتباع خارجی نیز به همین ترتیب. بنابراین اگر انتظار داریم که دولت به دلیل مذاکرات از وظایف عادی خود غافل نشود، جریان‌ها و بخش‌های خارج از دولت نیز نباید از این مسائل غفلت کنند و صرفاً روی مذاکرات تمرکز کرده و غیر از مذاکره درباره چیز دیگری سخن نگویند. زیرا اگر در زمینه‌های مسائل داخلی کشور، از اقتصاد و فرهنگ تا جامعه، همگان تلاش خود را بکنیم و بدون توجه به مذاکرات مسائل را پیش ببریم، در آن صورت دست مذاکره‌کنندگان ما نیز برای گرفتن امتیاز در مذاکره بازر-تر خواهد بود و ما به توافق بهتری می‌رسیم.

تلاش و مدیریت مستمر در اولویت است

آنچه امروز درباره مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا می‌توان گفت، در وهله اول صرفاً یک چیز است؛ باید اجازه بدهیم وزارت امور خارجه به وظایف خود و در حوزه دیپلماسی و مذاکرات بین‌المللی به درستی عمل کند و جریان‌های داخلی باید از دستگاه دیپلماسی که نمایندگی کلیت نظام و جامعه ما در مناسبات مرتبط با جهان خارج است، حمایت کنند. به طور کلی وزیر امور خارجه موظف است مذاکرات بین‌المللی با هر کشور و در هر سطحی را پیش ببرد و اساساً وظیفه این دستگاه جز این نیست. اما آنچه حتی طرف‌های خارجی و در اینجا دولت آمریکا می‌است که کشور ما هرگز به نتایج مذاکرات وابسته نبوده است، زیرا اگر ما به نتیجه مذاکرات وابسته بودیم، باید ابتدا ما درخواست مذاکره را مطرح می‌کردیم، می‌داند، این است که کشور ما درخواست مذاکره از سوی طرف مقابل مطرح شد. در حوزه داخلی نیز آنچه دیده می‌شود، این است که دولتمردان وظایف خود را در اداره امور کشور دنبال می‌کنند. انجام وظایف آنان به معنای حل مشکلات نیست، اما نکته این است که پیش از مذاکرات یا پس از مذاکرات، در رفتار دولتمردان ما و رویکرد آنان نسبت به حوزه‌های مسئولیت‌شان تغییری ایجاد نشده است. در چنین شرایطی اگر مذاکرات به نتیجه برسد، اتفاق مثبتی برای کشور خواهد بود. اما اگر به نتیجه نرسد که باید همچون همه رویدادهای سیاسی که در طرف در ماجرا حضور دارند به خاطر داشت، این امر به منزله پایان دنیا نیست، بلکه باید با قدرت و تلاش بیشتر به مسیر خود ادامه داد. بویژه اینکه در این مذاکرات طرف مقابل نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و همان‌طور که دستگاه دیپلماسی ما اعلام کرده است، موفقیت یا شکست مذاکرات به رفتار طرف مقابل وابسته است. تحریم‌ها بر کشور فشار وارد می‌کند که متأسفانه با حمایت و تبعیت برخی شرایطی اگر مذاکرات به نتیجه برسد، نیز همراه شده است. با وجود این، روند مذاکرات ادامه دارد و اداره امور کشور نیز به صورت مستمر در جریان است. در این شرایط یک نکته قابل توجه است و آن هم اینکه اگر مذاکرات به نتیجه برسد، باز هم به منزله ایده‌آل شدن کشور نخواهد بود. به نتیجه رسیدن احتمالی مذاکرات، صرفاً به این معنی است که یکی از مشکلات کشور یعنی تحریم‌ها حل شده است و مسائل دیگر که مربوط به حوزه داخلی است، همچنان به قوت خود باقی است. این مسائل است که نیازمند تلاش و مدیریت مستمر هستند. لازم است همه جریان‌ها و چهره‌ها در داخل، از دخالت‌های غیرضروری و اظهارنظرهای غیرکارشناسی که فضای کشور را منفی می‌کند، پرهیز کنند و همگان صرفاً بر تبعیت و اجرای موضع رهبر معظم انقلاب تأکید کنند. در این شرایط همه باید به صورت یکپارچه از تصمیم نظام حمایت کنیم.

جریان‌ها از امر ملی مذاکره حمایت کنند

آنچه اکنون در کشور دیده می‌شود، این است که همه ارکان بویژه دولت، مذاکرات غیرمستقیم در آمریکا را در شرایطی دنبال می‌کنند که همزمان امور داخلی کشور نیز همچون سابق به روال خود ادامه دارد و پیگیری می‌شود. وظیفه اصلی ما از جمله همه دولت‌ها، انجام اقداماتی است که به صورت عادی و روزمره برای اداره کشور لازم است و در عین حال طراحی و پیش بردن برنامه‌هایی که برای رفع مشکلات کشور ضرورت دارد. زیرا بنا به تعریف و حتی تجربه جهانی، هر مذاکره‌ای، مسأله‌ای مربوط به سیاست خارجی هر کشور است و مسائل دیگر مثلاً بهبود نظام اداری، مسائلی است که صرفاً در حوزه مسائل داخلی و امور دولتی کشورها و دولت‌ها برنامه‌ریزی و برای آنها تدبیر می‌شود. براین اساس، ایجاد ارتباط میان مسائل داخلی و مذاکرات، نه تنها منطقی و عقلانی نیست، بلکه با تجربه بشری هم ناسازگار است. در عین اینکه در صورت وقوع چنین امری، یعنی منتظر گذاشتن سایر برنامه‌ها و اقدامات برای اینکه نتیجه مذاکرات و برنامه سیاست خارجی چه می‌شود، اساساً امور کشور از مدار اصلی خود خارج می‌شود. این مذاکرات به نتیجه می‌رسد، اما اگر به امیدواریم چنین شود، امری مثبت بوده و قطعاً گشایشی در امور، بویژه امور مرتبط با روابط خارجی ما ایجاد خواهد کرد. اما در صورت عدم حصول توافق، جای مایوس شدن نیست و ما با قدرت و استواری از حقوق مردم و کشور دفاع خواهیم کرد. با اینکه دولت نیز در هر شرایطی روند اداره کشور را طی خواهد کرد، همچنان در ۷ ماه گذشته نیز همین مسیر دیده شده است. به رغم همه این‌ها، امروز مذاکرات یک موضوع ملی است و تمامی جریان‌های سیاسی برای اثبات ملی و مردمی بودن خود باید از سیاست‌های کلان نظام حمایت کنند. سیاست‌های کلان نظام امروز بر ادامه مذاکرات تأکید دارد و ما موظف به حمایت از این سیاست‌ها هستیم. بنابراین اگر مذاکرات موفقیت‌آمیز باشد، خوب است و در غیر این صورت باید امور کشور را به طور جدی پیگیری کنیم و نباید منتظر نتیجه مذاکرات بمانیم. باید با رویکردی محتاطانه به مذاکرات نگاه کرد و از گره زدن همه مسائل داخلی به مذاکرات و انحصار موضع جناحی و جریانی پرهیز نمود. این نکته‌ای است که از تجربه مذاکرات در ادوار گذشته می‌آموزیم. در نهایت اینکه ما راهی جز گفت‌وگو و مذاکره برای حل مسائل نداریم، اما همزمان باید به توانمندی‌های داخلی تکیه کنیم و با قاطعیت از حقوق ملت دفاع کنیم.

راه نجات در داخل کشور است

اکنون مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای با آمریکا، به یکی از موضوعات مهم کشور تبدیل شده است. اما فارغ از اینکه نتیجه مذاکرات چه می‌شود و آیا به توافق منجر می‌شود یا خیر، مسائل و مشکلات ایران دلائل دیگری دارد و ریشه‌های آنها را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. واقعیت تأسفک‌بار این است که کشور سال‌هاست گرفتار بی‌عملی شده است. این وضعیت بی‌عملی که به نسبت در همه دولت‌ها دیده شده است، هیچ ارتباطی به مذاکرات ندارد. مدت‌هاست اقداماتی که باید در داخل کشور انجام شود و زیرساخت‌هایی که باید فراهم شود، انجام نشده است و تأمین این زیرساخت‌ها هم به تعویق افتاده است. براین اساس است که باید گفت با مذاکره یا بی‌مذاکره، مسأله این است که اساساً برخی مسائل کشور حل نشده باقی مانده‌اند. بنابراین، این سخن کاملاً درستی است که در شرایط کنونی نباید مسائل کشور به مذاکرات گره زده شود. زیرا انتظار تحول بزرگی تنها از نتیجه مذاکرات نگاهی نادرست و توأم با خطر خواهد بود. اگر قرار است تحولی در کشور روی دهد، این تحول باید از درون کشور و از طریق اصلاحات مدیریتی و اجرایی جست‌وجو شود. مذاکرات تنها بخش کوچکی از مسائل مربوط به اداره کشور است که فقط به یک مشکل، یعنی تحریم‌ها می‌پردازد. درست است که به نتیجه رسیدن مذاکرات می‌تواند به بهبود وضعیت کشور کمک کند، اما قادر به حل مشکلات نیست. متأسفانه به دلیل بی‌عملی مجموعه‌های مدیریتی، اکنون برخی همه نگاه خود را به خارج از کشور دوخته‌اند، در حالی که راه نجات ایران در داخل کشور است. نتیجه مذاکرات مثبت باشد یا منفی، وظیفه ما تلاش برای اصلاح، حفظ و نگهداری کشور است. بنابراین ضرورت تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی و اصلاح ساختارها برای عبور از شرایط دشوار کنونی، بیش از نتیجه مذاکرات بین‌المللی در این دوره و حتی در دوره‌های بعدی حائز اهمیت است.

یادداشت

عباس سلیمی
نماینده
تحلیل‌گرافولگرا

مصطفی
هاشمی‌طبا
فقال سیاسی
اصلاح‌طلب

تحلیل جابری انصاری، مدیرعامل ایرنا و دیپلمات با سابقه از مذاکرات

سخت اما شدنی

خبر

حسین جابری انصاری مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) و دیپلمات با سابقه کشورمان، در تحلیلی از مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا اظهار کرد: «امیدواریم مذاکرات کنونی در چهارچوب منافع و امنیت ملی ایران، با اقتدار و جدیت مذاکره‌کنندگان ایرانی و با پشتوانه اجماع ملی پیش رود، بدون اینکه به درگیری‌های بی‌پایان و مخمل منافع و امنیت کشور منجر شود».

وی در گفت‌وگویی با برنامه زنده تلویزیون اینترنتی «ایرنا» ادامه داد: «این مسیر که با اجماع کم‌نظیر درباره یکی از حساس‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی ایران آغاز شده، باید به عنوان یک امر ملی

تقویت شود.» جابری انصاری با اشاره به اینکه با وجود جامعه‌ای پویا طبیعی است که دیدگاه‌های متنوعی شکل بگیرد، افزود: «تفاوت در سلیقه و برداشت، بخشی از پویایی جامعه ایران است اما در مذاکراتی با این درجه از حساسیت، مذاکره‌کنندگان ایرانی نمایندگان کل ملت هستند و باید با پشتوانه همه مردم، با پختگی و متانت این مسیر دشوار را طی کنند.» وی ادامه داد: «این مذاکرات باید با همت، اقتدار و اتحاد ملی و همراهی جریان‌ها و آحاد ملت ایران به سمت تحقق منافع و امنیت ملی کشور پیش برود.»

مذاکرات پیچیده و دشوار است

دیپلمات با سابقه کشورمان با بیان اینکه مذاکرات غیرمستقیم جاری میان ایران و آمریکا به غایت پیچیده و دشوار است، در تحلیل این امر گفت:



به نظر می‌رسد

کشورهای

عربی این بار

با پختگی،

دقت و

رویکردی

چندلایه‌تر

با موضوع

مذاکره

مواجه

شده‌اند. یکی

از نشانه‌های

این تغییر،

تماس‌های

گسترده

با ایران و

سفر اخیر

وزیر دفاع

عربستان به

تهران است

آقای عراقچی در رم مؤید این ارزیابی است. ایشان مذاکرات را «خوب و رو به جلو» توصیف کردند که نشان می‌دهد مسیر کوچکی که در مسقط گشوده شد، در رم تکمیل شده است.»

موفقیت مذاکرات در گشودن راه

وی با اشاره به اعلام عراقچی مبنی بر کسب پیشرفت و آغاز گفت‌وگوهای کارشناسی تأکید کرد: «با کنار هم قرار دادن این واقعیت‌ها می‌توان گفت مذاکرات در دو گام نخست، با وجود همه دشواری‌ها و موانع موجود میان طرفین، در گشودن راهی برای ادامه گفت‌وگوها موفق بوده است.»

مدیرعامل خبرگزاری ایرنا با بیان اینکه این موفقیت به معنای ساده بودن ادامه مسیر نیست، اظهار کرد: «پیچیدگی‌ها، درهم‌تیدگی‌ها و حساسیت‌های مسائل مطرح‌شده، همراه با فاصله عمیق مواضع طرفین، مذاکرات را به یکی از دشوارترین گفت‌وگوهای تاریخ دیپلماسی جهان تبدیل کرده است.»

جابری انصاری اضافه کرد: «این مسأله حساس و اختلافی باید به سوی درجه‌های گشوده هدایت شود، هرچند که نباید این موضوع را ساده دید. به باور وی، وجود تناقض‌ها و فاصله‌های زیاد به معنای مذاکراتی بسیار دشوار است، اما مذاکرات سخت به معنای بن‌بست نیست و حتی دشوارترین مذاکرات هم در صورت وجود اراده طرفین و گشوده شدن مسیر درست، می‌تواند به تفاهم‌ها و توافق‌هایی منجر شود.

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی ابراز امیدواری کرد با اجماع ملی، این مسیر پیش رود و راه کوچکی که گشوده شده، به راهی بزرگ‌تر و گشایش‌هایی عظیم‌تر منجر شود، در حالی که استقلال، منافع و امنیت ملی ایران حفظ شود.

موضع کشورهای منطقه درباره مذاکره

جابری انصاری درباره موضع کشورهای منطقه درباره مذاکره، با بیان اینکه در مقایسه با برجام، هم در طرف ایرانی و هم در طرف کشورهای عربی، بویژه همسایگان جنوبی و غربی حرکتی رو به جلو شکل گرفته است، افزود: «کشورها از تحولات گذشته درس می‌گیرند و لزومی ندارد مسیرهای پیشین تکرار شوند. در برجام، ایران این توافق را در راستای بهبود شرایط و به نفع کل منطقه می‌دانست.

اما تصویری که از سیاست ایران در تجربه برجام برای برخی همسایگان شکل گرفت، این بود که کویتی ایران در حال دور زدن آنها و پیگیری راه‌حلی صرفاً برای منافع خود است.»

این دیپلمات پیشین تصریح کرد: «نتیجه این برداشت قرار گرفتن برخی کشورهای عربی در کنار اسرائیل بود؛ مستقیم یا غیرمستقیم. لذا کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی مانند دو تیغه قیچی عمل کردند، ابتدا تلاش کردند مانع تحقق برجام شوند و پس از اجرایی شدن آن، اولویت خود را برهم زدن توافق گذاشتند.»

جابری انصاری تأکید کرد: «تصمیم خروج آمریکا از برجام در زمان ترامپ نتیجه عملکرد این دو تیغه قیچی بود. اما برخلاف زمان برجام، اکنون به نظر می‌رسد ایران با جدیت بیشتری گفت‌وگو و مفاهمه با همسایگان را در دستور کار قرار داده است.» این دیپلمات با سابقه کشورمان، با اشاره به اینکه در مقابل کشورهایی مانند عربستان، امارات و دیگر همسایگان نیز از تجارب سال‌های گذشته درس گرفته‌اند، اظهار کرد: «آنان دریافته‌اند که اگر روند تحولات به سمت درگیری و تشدید تنش پیش برود، فقط ایران یا طرف مقابل متضرر نخواهد شد؛ بلکه کل منطقه آسیب خواهد دید و روند تحولات منطقه‌ای به مسیری منفی کشیده خواهد شد.»

جابری انصاری گفت: «به نظر می‌رسد کشورهای عربی این بار با پختگی، دقت و رویکردی چندلایه‌تر با این موضوع مواجه شده‌اند. یکی از نشانه‌های این تغییر، تماس‌های گسترده با ایران و سفر اخیر وزیر دفاع عربستان به تهران است.»

وجود

تناقض‌ها و

فاصله‌های

زیاد به معنای

مذاکراتی

بسیار دشوار

است، اما

مذاکرات

سخت

به معنای

بن‌بست

نیست و حتی

دشواری‌ترین

مذاکرات هم

در صورت

وجود اراده

طرفین و

گشوده شدن

مسیر درست،

می‌تواند به

تفاهم‌ها و

توافق‌هایی

منجر شود